قی کردن

۹- قی کردن

۱۶۴۶ هرگاه روزه دار عمدا قی کند - اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد - روزه اش باطل می شود، ولی اگر سهوا یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد.

۱۶۴۷ اگر در شب چیزی بخورد که می داند به واسطه خوردن آن در روز بی اختیار قی می کند، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را قضا نماید.

۱۶۴۸ اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید.

۱۶۴۹ اگر مگس در گلوی روزه دار برود، چنانچه به قدری پایین رود که به فرو بردن آن خوردن نمی گویند، لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است، واگر به این مقدار پایین نرود، باید آن را بیرون آورد، اگرچه موجب شود که قی کند و روزه اش باطل شود، و چنانچه فرو برد روزه اش باطل می شود، و بنابر احتیاط واجب باید کفاره جمع بدهد.

۱۶۵۰ اگر سهوا چیزی را فرو ببرد و پیش از رسیدن به شکم یادش بیاید که روزه است، چنانچه به قدری پایین رفته باشد که اگر آن را داخل شکم کند خوردن نمی گویند، لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است.

۱۶۵۱ اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن چیزی از گلو بیرون می آید، نباید عمدا آروغ بزند، ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد.

۱۶۵۲ اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید آن را بیرون بریزد، و اگر بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است.

احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند

مسألة ۱۶۵۳. اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند ، انجام دهد، روزة او باطل می شود و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی که در مسأله ۱۶۳۰ گفته شد تا اذان صبح غسل نکند، روزه او باطل است. مسألة ۱۶۵۴. اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد و به خیال این که روزه اش باطل شده، عمداً دوباره یکی از آنها را به جا آورد، روزه او باطل می شود. مسألة ۱۶۵۵. اگر چیزی به زور در گلوی روزه دار بریزند، یا سر او را به زور در آب فرو برند، روزة او باطل نمی شود، ولی اگر مجبورش کنند که روزة خود را باطل کند مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی به تو می زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر، چیزی بخورد، روزة او باطل می شود. مسألة ۱۶۵۶. روزه دار نباید جایی برود که می داند چیزی در

گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند که خودش روزة خود را باطل کند، اما اگر قصد رفتن کند و نرود یا بعد از رفتن چیزی به خوردش ندهند، روزة او صحیح است، و چنانچه از روی ناچاری کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، روزة او باطل می شود، ولی اگر چیزی در گلویش بریزند، باطل شدن روزة او محلّ اشکال است.

آنچه برای روزه دار مکروه است

مسألة ۱۶۵۷. چند چیز برای روزه دار مکروه است و از آن جمله است: دوا ریختن به چشم و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد، انجام دادن هر کاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضعف می شود، انفیه کشیدن اگر نداند که به حلق می رسد و اگر بداند به حلق می رسد جایز نیست، بو کردن گیاههای معطّر، نشستن زن در آب، استعمال شیاف، تر کردن لباسی که در بدن است، کشیدن دندان و هر کاری که به واسطة آن از دهان خون بیاید، مسواک کردن به چوب تر، و نیز مکروه است انسان بدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را ببوسد یا کاری کند که شهوت خود را به حرکت آورد، و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد، در صورتی که منی بیرون آید، روزة او باطل می شود.

جاهایی که قضا و کفّاره واجب است

مسألة ۱۶۵۸. اگر در روزة ماه رمضان عمداً قی کند یا در شب جنب شود و به تفصیلی که در مسأله ۱۶۳۰ گفته شد سه مرتبه بیدار شود و بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، فقط باید قضای آن روز را بگیرد، و چنانچه عمداً اِماله کند یا سر زیر آب ببرد، بنا بر احتیاط واجب باید کفّاره هم بدهد، ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد، در صورتی که می دانسته آن کار روزه را باطل می کند ، قضا و کفّاره بر او واجب می شود. مسألة ۱۶۵۹. اگر به واسطة ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند ، چنانچه می توانسته مسأله را یاد بگیرد، بنا بر احتیاط واجب کفّاره بر او ثابت می شود، و اگر نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد یا اصلاً ملتفت مسأله نبوده یا یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمی کند ، کفّاره بر او واجب نیست.

کفّاره روزه

مسألة ۱۶۶۰. کسی که کفّارة روزة رمضان بر او واجب است، باید یک بنده آزاد کند یا به دستوری که در مسألة بعد گفته می شود، دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام، یک مُدّ ـ که تقریباً ده سیر است ـ طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، هر چند مُدّ که می تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگرچه مثلاً یک مرتبه بگوید: «استغفرالله»، و احتیاط واجب در فرض اخیر آن است که هر وقت بتواند، کفّاره را بدهد. مسألة ۱۶۶۱. کسی که می خواهد دو ماه کفّارة روزة رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی درپی بگیرد، و اگر بقیة آن پی درپی نباشد، اشکال ندارد. مسألة ۱۶۶۲. کسی که می خواهد دو ماه کفّارة روزة رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان روزة آن حرام است. مسألة ۱۶۶۳. کسی که باید پی درپی روزه بگیرد، اگر در بین آن بدون عذر یک روز روزه نگیرد، یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزة آن واجب است، مثلاً به روزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد، باید روزه ها را از سر بگیرد. مسألة ۱۶۶۴. اگر در بین روزهایی که باید پی درپی روزه بگیرد، عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید، بعد از برطرف شدن عذر واجب نیست روزه ها را از سر بگیرد، بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عذر به جا می آورد. مسألة ۱۶۶۵. اگر به چیز حرامی

روزة خود را باطل کند، چه آن چیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد مثل نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، بنا بر احتیاط کفّاره جمع بر او واجب می شود، یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آنها یک مُدّ ـ که تقریباً ده سیر است ـ گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد، و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام آنها که ممکن است باید انجام دهد. مسألة ۱۶۶۶. اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبرا نسبت دهد، کفّارة جمع که تفصیل آن در مسألة پیش گفته شد بنا بر احتیاط بر او واجب می شود. مسألة ۱۶۶۷. اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جِماع کند، یک کفّاره بر او واجب است، ولی اگر جِماع او حرام باشد یک کفّارة جمع واجب می شود. مسألة ۱۶۶۸. اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جِماع کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد، برای همة آنها یک کفّاره کافی است. مسألة ۱۶۶۹.اگر روزه دار جِماعِ حرام کند و بعد با حلال خود جِماع نماید، یک کفّاره جمع کافی است. مسألة ۱۶۷۰. اگر روزه دار کاری که حلال است و روزه را باطل می کند ، انجام دهد، مثلاً آب بیاشامد، و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می کند انجام دهد، مثلاً غذای حرامی بخورد، یک کفّاره کافی است. مسألة ۱۶۷۱. اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمداً آن را فرو ببرد، روزه اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفّاره هم بر او واجب می شود، و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده به دهان او بیاید و عمداً آن را فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد، و بنا بر احتیاط کفّارة جمع هم بر او واجب می شود. مسألة ۱۶۷۲. اگر نذر کند که روز معیّنی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزة خود را باطل کند، باید یک بنده آزاد نماید، یا دو ماه پی درپی روزه بگیرد، یا به شصت فقیر طعام دهد. مسألة ۱۶۷۳. اگر به گفتة کسی که می گوید مغرب شده افطار کند، و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفّاره بر او واجب می شود. ولی اگر خبر دهنده عادل بوده، فقط قضای آن روزه واجب است. مسألة ۱۶۷۴. کسی که عمداً روزة خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفّاره سفر نماید، کفّاره از او ساقط نمی شود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنا بر احتیاط کفّاره بر او واجب است. مسألة ۱۶۷۵. اگر عمداً روزة خود را باطل کند، و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود، کفّاره بر او واجب نیست. مسألة ۱۶۷۶.اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است، و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده، کفّاره بر او واجب نیست. مسألة ۱۶۷۷. اگر انسان شک کند که آخر ماه رمضان است یا اول شوال، و عمداً روزة خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول شوال بوده، کفّاره بر او واجب نیست. مسألة ۱۶۷۸. اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جِماع کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفّارة روزة خودش و روزة زن را باید بدهد، و اگر زن به جِماع راضی بوده، بر هر کدام یک کفّاره واجب می شود. مسألة ۱۶۷۹. اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور کند که جِماع نماید، یا کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد، واجب نیست کفّارة روزة شوهر را بدهد. مسألة ۱۶۸۰. اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جِماع کند، چنانچه به طوری زن را مجبور کرده باشد که از خود اختیاری نداشته باشد، و در بین جِماع زن راضی شود، باید مرد دو کفّاره و زن یک کفّاره بدهد، و اگر با اراده و اختیار عمل را انجام دهد، اگرچه مجبورش کرده باشد، مرد باید کفّارة خودش و زن را بدهد. مسألة ۱۶۸۱. اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است جِماع نماید، یک کفّاره بر او واجب می شود، و روزة زن صحیح است و کفّاره هم بر او واجب نیست. مسألة ۱۶۸۲. اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جِماع کار دیگری که روزه را باطل می کند به جا آورد، کفّارة زن را نباید بدهد، و بر خود زن هم کفّاره واجب نیست. مسألة ۱۶۸۳. کسی که به واسطة مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به جِماع کند، ولی اگر او را مجبور نماید، بنا بر احتیاط باید کفّاره اش را بدهد. مسألة ۱۶۸۴. انسان نباید در به جا آوردن کفّاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد. مسألة ۱۶۸۵. اگر کفّاره بر انسان واجب شود و چند سال

آن را به جا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی شود. مسألة ۱۶۸۶. کسی که باید برای کفّارة یک روز شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مُدّ ـ که تقریباً ده سیر است ـ طعام بدهد، یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نماید، ولی چنانچه انسان اطمینان داشته باشد که فقیر طعام را به عیالات خود می دهد یا به آنها می خوراند، می تواند برای هر یک از عیالات فقیر اگرچه صغیر باشند یک مدّ به آن فقیر بدهد. مسألة ۱۶۸۷. کسی که قضای روزة رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مُدّ ـ که تقریباً ده سیر است ـ طعام بدهد، و اگر نمی تواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی درپی روزه بگیرد.

جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

مسألة ۱۶۸۸. در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است، و کفّاره واجب نیست:

اول: آنکه روزه دار در روز ماه رمضان عمداً قی کند.

دوم: آنکه در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در مسألة ۱۶۳۰ گفته شد تا اذان صبح از خواب سوّم بیدار نشود.

سوم: عملی که روزه را باطل می کند به جا نیاورد، ولی نیّت روزه نکند یار یا کند، یا قصد کند که روزه نباشد.

چهارم: آنکه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند، و با حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد.

پنجم: آنکه در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده قضای آن روزه بر او واجب است. ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح شده و چیزی بخورد، و بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست، بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست.

ششم: آنکه کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفتة او کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

هفتم: آنکه کسی بگوید صبح شده و انسان به گفتة او یقین نکند، یا خیال کند شوخی می کند و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

هشتم: آنکه به گفتة کس دیگر که عادل باشد افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

نهم: آنکه در هوای صاف به واسطة تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است. ولی اگر در هوای ابر به گمان این که مغرب شده افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده، قضا لازم نیست.

دهم: آنکه برای خنک شدن، یا بی جهت مَضمَضه کند، یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد، یا برای وضو مَضمَضه کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

مسألة ۱۶۸۹. اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان ببرد و بی اختیار فرو رود، یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست. مسألة ۱۶۹۰. مَضمَضه زیاد برای روزه دار مکروه است، و اگر بعد از مَضمَضه بخواهد آب دهان را فرو برد، بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد. مسألة ۱۶۹۱. اگر انسان بداند که به واسطة مَضمَضه ، بی اختیار یا از روی فراموشی آب وارد گلویش می شود، نباید مَضمَضه کند. مسألة ۱۶۹۲. اگر در ماه رمضان بعد از تحقیق یقین کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا لازم نیست. مسألة ۱۶۹۳. اگر انسان شک کند که مغرب شده یا نه، نمی تواند افطار کند، ولی اگر شک کند که صبح شده یا نه، پیش از تحقیق هم می تواند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد.

احکام روزه قضا

مسألة ۱۶۹۴. اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه های وقتی را که دیوانه بوده قضا نماید. مسألة ۱۶۹۵. اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه های وقتی را که کافر بوده قضا نماید، ولی اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد، روزه های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید. مسألة ۱۶۹۶. روزه ای که از انسان به واسطة مستی فوت شده باید قضا نماید، اگرچه چیزی را که به واسطة آن مست شده برای معالجه خورده باشد، بلکه اگر نیّت روزه کرده و مست شده و در حال مستی روزه را ادامه داده تا از مستی خارج شده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام کند و بعداً قضا نماید. مسألة ۱۶۹۷. اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر او برطرف شده، می تواند مقدار کمتر را که احتمال می دهد روزه نگرفته قضا نماید، مثلاً کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی داند پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم، می تواند پنج روز روزه بگیرد. و نیز کسی هم که نمی داند چه وقت عذر برایش پیدا شده، می تواند مقدار کمتر را قضا نماید، مثلاً اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان برگردد و نداند که بیست و پنجم رمضان مسافرت کرده یا بیست و ششم، می تواند مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند. مسألة ۱۶۹۸. اگر از چند ماه رمضان روزة قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد، ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد، باید اول، قضای رمضان آخر را بگیرد. مسألة ۱۶۹۹. اگر قضای روزة چند رمضان بر او واجب باشد، و در نیّت معیّن نکند روزه ای را که می گیرد قضای کدام رمضان است، قضای سال اول حساب می شود. مسألة ۱۷۰۰. کسی که قضای روزة رمضان را گرفته، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، می تواند پیش از ظهر روزة خود را باطل نماید. مسألة ۱۷۰۱. اگر قضای روزة ماه رمضان شخص دیگری را گرفته باشد، احتیاط واجب آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند. مسألة ۱۷۰۲. اگر به واسطة مرض یا حیض یا نفاس، روزة رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد، لازم نیست روزه هایی را که نگرفته، برای او قضا کنند، اگرچه مستحبّ است.
مسألة ۱۷۰۳. اگر به واسطة مرضی روزة رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه هایی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مُدّ ـ که تقریباً ده سیر است ـ طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. ولی اگر به واسطة عذر دیگری، مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه هایی را که نگرفته، باید قضا کند، و احتیاط مستحبّ آن است که برای هر روز یک مدّ طعام هم به فقیر بدهد. مسألة ۱۷۰۴. اگر به واسطة مرضی روزة رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او برطرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد، باید روزه هایی را که نگرفته، قضا نماید. و نیز اگر

در ماه رمضان غیر مرض، عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطهٔ مرض نتواند روزه بگیرد، روزه هایی را که نگرفته، باید قضا کند. مسألة ۱۷۰۵. اگر در ماه رمضان به واسطهٔ عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مدّ گندم یا جو و مانند اینها هم به فقیر بدهد. مسألة ۱۷۰۶. اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند، باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مدّ گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد، بلکه اگر موقعی که عذر دارد، تصمیم داشته باشد که بعد از برطرف شدن عذر روزه های خود را قضا کند، و پیش از آن که قضا نماید در تنگی وقت عذر پیدا کند، باید قضای آن را بگیرد، و احتیاط واجب آن است که برای هر روز هم یک مدّ غذا به فقیر بدهد. مسألة ۱۷۰۷. اگر مرض انسان چند سال طول بکشد، بعد از آن که خوب شد اگر تا رمضان آینده به مقدار قضا وقت داشته باشد، باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش یک مُدّ ـ که تقریباً ده سیر است ـ طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. مسألة ۱۷۰۸. کسی که باید برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد، می تواند کفّارهٔ چند روز را به یک فقیر بدهد. مسألة ۱۷۰۹. اگر قضای روزهٔ رمضان را چند سال تأخیر بیندازد، باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد. مسألة ۱۷۱۰. اگر روزهٔ رمضان را عمداً نگیرد، باید قضای آن را به جا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد، یا به شصت فقیر طعام بدهد، یا یک بنده آزاد کند. و چنانچه تا رمضان آینده قضای آن روزه را به جا نیاورد، برای هر روز نیز دادن یک مدّ طعام لازم است. مسألة ۱۷۱۱. اگر روزهٔ رمضان را عمداً نگیرد و در روز کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، مثلاً چند مرتبه جِماع کند، یک کفّاره کافی است. مسألة ۱۷۱۲. بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزهٔ او را به تفصیلی که در مسأله ۱۳۹۰ گفته شد به جا آورد، ولی قضای روزهٔ مادر بر پسر واجب نیست. مسألة ۱۷۱۳. اگر پدر غیر از روزهٔ رمضان، روزهٔ واجب دیگری را مانند روزهٔ نذر نگرفته باشد، باید پسر بزرگتر قضا نماید.